

سابقه تاریخی حکومت نظامی

در اوانیکه محمدعلی شاه درمقابل مجلس شورا موقعیت خودرا مستحکم میکرد و با تضعیف نمودن مجلس و متفرق کردن انجمن های ملی شالوده دیگری میریخت، تبعید چهار نفر از سران مشروطیت را از مجلس خواستار شد ولی مجلس درمقابل او ایستادگی کرد و تقاضای او را رد نمود.

در این موقع عده ای از آزادیخواهان در مجلس متحصن شدند و سربازان ملی بحفاظت آنان برخاستند.

محمدعلی شاه برای اینکه از اجتماعات جلوگیری کند و انجمن های ملی را تعطیل نماید و مردم را مرعوب سازد و خلاصه مانع شود که مشروطه خواهان گرد مجلس جمع شوند، حکومت نظامی را برقرار کرد و لیاخف فرمانده قزاقخانه حاکم نظامی شهر تهران شد مقررات عمده حکومت نظامی در این وقت جلوگیری از اجتماعات و خلع سلاح افراد غیر نظامی بود.

اما حکومت نظامی که بعداً در تمام ایران برقرار گردید در نتیجه و دنباله همین حکومت نظامی تهران بود که چون کشمکش شاه و مجلس به نتیجه نرسید و مکاتبات بین مجلس و شاه بنگرانی ها خاتمه نداد شاه از مجلس سه تقاضا کرد:

« ۱ - اقتدارات شاه مانند امپراطور آلمان باشد باین معنی که دولت و وزراء فقط در مقابل شاه مسؤل باشند و مجلس حق بازرسی و نظارت و عزل و نصب آنها را نداشته باشد.
« ۲ - شاه حق داشته باشد همیشه ده هزار قشون مسلح در اختیار خود در تهران داشته باشد.

« ۳ - شاه اختیار تام در کار قشون داشته باشد و وزیر جنگ را شاه شخصاً انتخاب کند و در مقابل شاه مسؤل باشد و از خود اختیاری نداشته باشد. »
این تقاضاها نیز از طرف مجلس شورای ملی رد گردید و وقایع بمباران مجلس پیش آمد.

یک روز بعد از بمباران مجلس یعنی در روز ۲۲ جمادی الاول ۱۳۲۶ مطابق دوشنبه اول تیر ماه ۱۲۸۷ اعلامیه ای بعنوان « تکالیف لازمه عمومی » که بامضای محمدعلی شاه قاجار رسیده منتشر گردید.

این اعلامیه اعلامیه حکومت نظامی ایران است و ما با انتشار این اعلامیه که جنبه تاریخی و قضائی آن شرح داده خواهد شد نکات برجسته و لازمی که ذکر آن از نظر تاریخ

سابقه تاریخی حکومت نظامی

قضائی اهمیت دارد و میتوان اساس پیدایش مقررات حکومت نظامی را در آن تجسس کرد موضوع را مورد بررسی و مطالعه قرار خواهیم داد.

با آنکه فرمانداری نظامی در تهران در تاریخ ۲۴ جمادی الاول ۱۳۲۶ برپا گردید معذک آن گهی آن که با دست کلنل لیاخف نوشته شده و در چاپخانه فاروس بطبع رسید تاریخ حکومت نظامی را یک روز قبل از آن اعلام داشته متتها روز اجرای آن را روز انتشار تعیین کرده بودند.

پس از انتشار این اعلامیه و در تعقیب آن دو دستخط بعنوان مشیرالسلطنه نخست وزیر از طرف محمدعلی شاه صادر شد که در یکی چنین جلوه داده شده است که مجلس برای سه ماه منفصل گردیده و دیگری بعنوان غفوع عمومی تلقی میشود. اینک از نظر حفظ جنبه تاریخی و قضائی کار اعلامیه و دستخط را ذیلاً درج مینمائیم:

۱ - تکالیف لازمه عمومی

« چون از تاریخ ۲۲ این ماه جمادی الاول مطابق سنه ۱۳۲۶ طهران و باقی شهرهای این مملکت در تحت اطاعت قشون - نظامی خواهد بود و برای رفع خرابی و انتظام و آسایش عمومی امر و مقرر میفرمائیم که تمام اجتماعات در کوچه و محلات و میدانها و همچنین اجتماع عمومی در اطراف شهر همینطور در خانهها فقط در صورتی مجاز باشد که با اجازه حکومت باشد و بدون اجازه حکومت منعقد و مجتمع نشده عموم ملت را قبل از وقت مطلع و اعلان میفرمائیم : »

« اجتماعاتی که برخلاف این ترتیب در کوچه و محلات و مساجد و غیره بشود بقوه نظامی متفرق و در صورتیکه اطاعت نکرده تمرد و ستیزه نمایند با استعمال قوه تهریده و ناریده رفع و متفرق خواهند شد. »

« ملاحظه اینکه ملت عاقل ما دچار اینطور اتفاقات و خیمه نشده حتی در موقع اجتماعات برای تماشا نیز در محلات و مساجد و غیره حاضر نشوند و این ترتیب را محفوظ دارند و هر گاه برخلاف این ترتیب اقدام نمایند : »

« اول - رؤسای مجتمعات و سایر اشخاص که دخالت در اجتماع دارند حسب المقرر حکومت دستگیر گردیده سه ماه حبس خواهند شد. »

« دوم برای حکومت شهر تهران فرمانده بریکارد قزاق پالکونیک لیاخف تعیین میشود ؛ رئیس نظمیه و رؤسای دستجات نظام و قشون حاضر رکاب در تحت اطاعت ایشان خواهند بود. »

« سوم اجتماعاتی که در مجامع عمومی و سایر نقاط برای کارهای شخصی یا در امر تجارتی و مذاکره صنفی و قهوه خانه ها مجازند قبل از سه ساعت از شب گذشته بکلی غلغنه است. »

« چهارم - داشتن اسلحه و بستن حربه بدون اجازه حکومت غلغنه و مرتکبین این عمل مطابق فصل اول این ورقه رفتار و مواخذه خواهند شد اشخاصی هم که حق بستن اسلحه دارند باید از حکومت بلیط داشته باشند. »

« پنجم اشخاصی که نسبت باهل نظام بی احترامی نمایند غیر از تنبیه و جریمه که در اول ورقه معین شده اهل نظام مجازند که روی آنها اسلحه بکشند .
« ششم تخطی در اوامر فصول مذکوره در ایالات و ولایات و تعیین جریمه و حدود
« با حکامی است که در آن نقطه حکومت مسئولیت دارند .
« هفتم - اجرای این اوامر از روز انتشار این ورقه خواهد بود .

۴ - دستخط اول بعنوان انفصال مجلس

« چون ایجاد انجمن های بی نظامنامه اسباب هرج و مرج شده بود و روزنامه ها
« و ناطقین بکمک آنها نزدیک بود رشته انتظام مملکت را برهم زنند و چون زمام
« امور در تحت قوه مخصوص ما در دست معدودی از عقلا باید باشد هر چه خواستیم
« از فساد آنها جلوگیری کنیم و انجمن ها را بوظائف خود بیاوریم بواسطه حمایت مجلس
« از آنها ممکن نشد تا آنکه برای برقرار کردن نظم و آسایش عموم که از طرف
« باری تعالی بما تفویض شده است خواستیم مفسدین را دستگیر نمائیم مجلس از آنها
« حمایت نمود وعده از اشرار مجلس را پناهگاه خود قرار داده در مقابل قشون دولتی
« سنگر بسته بمب و نارنجک و آلات ناریه استعمال کردند ما هم از امروز تا سه ماه
« دیگر مجلس را منفصل نموده پس از این مدت وکلای متدین ملت و دولت دوست
« منتخب شده بامجلس سنا موافق قانون اساسی پارلمان مفتوح شده مشغول انتظام گردد .

۴ - دستخط - بعنوان عفو عمومی

« مقصود خاطر ما اینست مملکت و آسودگی عامه رعایا و اقداماتی که در دستگیری
« مفسدین و اشرار شده بجهت آسایش و رفاهیت آنان بوده برای اینکه مردمان بی تقصیر
« و رعایای سلامت خون از تزلزل و اضطراب خارج شده از رأفت و مرحمت ذات ملوکانه
« بهره مند باشند بموجب این دستخط عفو عمومی را شامل حال کافه مردم داشته
« تصریحاً مقرر میفرمائیم از تمام متهمین اغماض می فرمائیم در حق آنها هم که گرفتار
« شده اند مجلس استنطاقی از اشخاص بی غرض منصف تشکیل خواهیم نمود بدقت غوررسی
« کامل نمایند هر کس بی تقصیر است مرخص نموده بشرط اینکه اهالی از حدود قانونی
« که از طرف حکومت نظامی منتشر میشود تجاوز ننموده مرتکب حرکت خلاف
« قاعده نشوند .

اینک بادر ج اعلامیه و دستخط های مزبور نتایج قضائی و نکاتی که با ملاحظه
آن و تجزیه و تحلیل هر یک بدست میآید ذیلاً تشریح مینماییم :

۱ - دستخطی که بعنوان عفو عمومی صادر گردیده این جمله : « ... هر کس
بی تقصیر است مرخص شود بشرط اینکه اهالی از حدود قانونی که از طرف حکومت نظامی
منتشر میشود تجاوز ننماید... » جلب توجه می کند .

باتجسسی که برای بدست آوردن قوانین دوره حکومت نظامی فوق الذکر بعمل

سابقه تاریخی حکومت نظامی

آوردیم اعلامیه بامضای لیاخف حاکم نظامی و درحقیقت فرمانده کل قشون ایران منتشر گردیده که عنوان قانون بان داده شده بدست آوردیم که عیناً درج میشود:

« ۱ - استقرار نظم در شهر مخصوصاً به بریگاد قزاق اعلیحضرت همایونی »
« وژاندارمری و افواج خلج و زرند محول گردیده است. »

« ۲ - اشخاصی که برخلاف این قوانین رفتار کنند مورد مؤاخذه سخت واقع خواهند شد. »

« ۳ - هرکس بدیگری تعدی نماید مورد تنبیه قرار خواهد گرفت. »

« ۴ - هرگاه از خانه ای بقراولی تیراندازی شود آن خانه با توپ خراب خواهد شد. »

با این ترتیب ملاحظه میشود که حاکم نظامی جنبه قانونی بااعلامیه خود داده است زیرا که بابلست آوردن اختیارات وسیعی که محمد علی شاه باو تفویض کرده بود میتوانست هرگونه مقرراتی وضع کند تا قانون شناخته شود زیرا با توپ بستن مجلس و خالی ماندن میدان و الزام باطاعت رئیس نظمیه و دستجات نظام و قشون حاضر رکاب از کلنل لیاخف لازمه این همه اختیارات وضع قانون هم خواهد بود!

چنانکه خود لیاخف در نامه ۲۷ مارس ۱۹۰۸ شماره ۵۹ محرمانه که بادره ارکان حرب منطقه قفقاز نوشته از اختیارات نامحدود خود سخن گفته و چنین گزارش داده است:

« برای اینکه دست این جانب درکارها باز باشد اختیارات تامی باین جانب تفویض و امر فرمود که میتوانم در صورت لزوم بدانم که تابع دستورات هیچ مقامی نمی باشم... »

۲ - احکام مجازاتی صادره ازحکومت نظامی قطعی و لازم الاجراست بدون اینکه مرحله یا مقام دیگری حق رسیدگی به آن داشته باشد بطوریکه اعلامیه حاکی است مجازاتها صرفاً سه ماه حبس تعیین شده و این سه ماه باملاحظه دستخط اول که مجلس را برای سه ماه منفصل دانسته است معلوم میشود تاخاتمه دوره انفصال و تجدید انتخابات خواهد بود زیرا درمجازات مقرر بدون تعیین حداقل و اکثر و برای تمام تخلفات یکنوع مجازات پیش بینی کرده است و واضح این مقررات خواسته است سه ماه آزادی خواهان یا مخالفین یا متخلفین از آن مقررات را درحبس نگاهدارد و کسی را باستناد حکومت نظامی حق چون و چرا نباشد و مقامی هم مجاز در رسیدگی و مقابله باآن نخواهد بود.

۳ - در این اعلامیه ذکری از آزادی قلم یا محدودیت آن بعمل نیامده زیرا با توقیف آزادی خواهان محدودیت قلم خود بخود حاصل خواهد بود و هم چنین راجع بجراید و مجلات نیزسخنی نیست.

۴ - موضوع مهمی که اعلامیه حاکی است احترام اهل نظام و بی احترامی بانان میباشد اولاً با اینکه رئیس نظمیه و رؤسای دستجات نظام و قشون حاضر رکاب در تحت

اطاعت و اوامر پالکومیکک لیاخف قرار داده معلوم نیست در این مورد بی احترامی باهل نظام چرا قوای نظمیه را از نظر دور داشته و بی احترامی کردن بآنها را ساکت گذارده است. ثانیاً معلوم نیست بی احترامی منظور مقاومت یا توهین یا عدم اطاعت و یا تمرد افراد از اهل نظام باشد آیا با ذکر چنین کلمه خواسته اند بطور کلی هر گونه سرپیچی و چون و چرا کردن را تخلف دانسته و همه اهالی را باطاعت کورکورانه و ادار سازند؟ بدیهی است با توسعه کلمه و با اجازه کشیدن اسلحه که اختیار جان مردم در دست نظامیان خواهد بود تمام مصادیق را که در قانون مجازات عمومی از ماده ۱۶۰ به بالا تشریح گردیده مسلماً حاوی و سائلی خواهد شد تا منظور واضعین چنین مقرراتی طوعاً و کرهاً اجرا شده باشد. بنا بر این در مقابل بی احترامی باهل نظام اگر نظامی کسی را می کشت مورد مؤاخذه واقع نمیشد زیرا لازمه کشیدن اسلحه تنها تهدید نیست بلکه در صورت لزوم اقدام بالاتری را اجازه داده است.

ه - نسبت بسایر ایالات و ولایات اعلامیه مزبور اختیار کلی داده است که حکام در هر جایی که حکومت و مسئولیت دارند نسبت به تخطی کنندگان از مقررات حکومت نظامی میتوانند جریمه نموده یا حدود معلوم نمایند پس معلوم میشود که حاکم در تعیین جریمه یا حدود که مقصود همان تعیین حبس است نه حدود شرعی اختیارات وسیعتری دارد و از کلمه مسئولیت حاکم در مقر حکومت خود این معنی بدست میآید که با ملاحظه مسئولیت اداری خود میتواند در تعیین جریمه یا تعیین میزان حبس برای متخلفین از حدود لایحه (تکالیف لازمه عمومی) نیز تجاوز نماید.